



برای عمیق‌تر فکر کردن در مورد اخلاق هنجاری به فراخلاق نیاز داریم

عضو هیات علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) گفت: ما برای عمیق‌تر فکر کردن در مورد اخلاق هنجاری به کمک فرا اخلاق نیاز داریم.

عضو هیات علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) گفت: ما برای عمیق‌تر فکر کردن در مورد اخلاق هنجاری به کمک فرا اخلاق نیاز داریم.

به گزارش خبرنگار مهر، نشست دو روزه «اخلاق برای نوآموزان» با هدف ترویج مباحث اخلاقی و آشنایی مقدماتی علاقه‌مندان به مباحث اخلاقی در تاریخ ۱۵ و ۱۶ اسفند ماه سال جاری به همت خانه اخلاق پژوهان جوان قم برگزار شد.

اولین جلسه از این نشست با موضوع «ماجرای تفکر اخلاقی مسلمین» با ارائه حجت الاسلام و المسلمین مهدی علیزاده، مدیر مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، چهارشنبه ۱۵ اسفند ۸ صبح آغاز شد.

علیزاده در ابتدا به تبیین عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری رویکردها در اخلاق اسلامی پرداخت و گفت: هر انسان مسلمان دارای سبک تفکر و سبک یا سنخ شخصیت است. سبک تفکر براساس منابع اصلی معرفت به سه سبک تفکر حدیثی-فقهی (منبع معرفت وحی)، عرفانی (منبع معرفت شهود) و فلسفی (منبع معرفت عقل) قابل تقسیم است. سبک شخصیت که بر اساس انواع روحیه‌ها می‌باشد منجر به حیات متعبدانه یا عاشقانه یا اندیشمندانه می‌شود. نکته قابل توجه این است که تمام رویکردها بر اساس مسائل عقلی و آگاهانه فرد یا جامعه نیست بلکه در موارد زیادی روحیه‌ها و شخصیت یک فرد یا قوم یا امت در سبک دینداری یا قرائتشان از دین تأثیر می‌گذارد. ما متناظر با این سه سبک تفکر و سه سبک شخصیت، سه جریان اصلی اخلاق نقلی، اخلاق عرفانی و اخلاق فلسفی را شاهد هستیم. در واقع دلیل اصلی شکل‌گیری جریان‌ها یا رویکردهای اخلاق اسلامی یا اخلاق مسلمین، ریشه در تفاوت آنها در سبک تفکر و سبک شخصیت دارد. البته جریان چهارمی هم در اخلاق اسلامی تحت عنوان اخلاق تلفیقی یا ترکیبی، که حاصل جمع نقاط قوت این سه جریان اخلاقی است، شکل گرفته است.

وی در توضیح جریان اخلاق نقلی توضیح داد: در مورد اخلاق نقلی هنوز نمی‌شود گفت که اخلاق نقلی به صورت یک دستگاه اخلاقی نظام مند در آمده است. ما می‌توانیم ادوار ذیل را برای اخلاق نقلی برشماریم؛ دوره اول، دوره تأسیس و رشد؛ این دوره در مکتب اخلاق روایی شیعه مشتمل بر سده‌های دوم و سوم هجری است. همه مصنفان این دوره، از اصحاب ائمه علیهم السلام هستند که برای نخستین بار به جمع‌آوری و تدوین احادیث خاص اخلاقی روی آوردند. در این دوره احادیث اخلاقی از میان کل روایات فریقین انتخاب می‌شد، نمایه می‌خورد، نمایه‌های مشترک در یک فصل گردآوری می‌شد و در قدم آخر به صورت تک تک شرح داده می‌شد که این شرح‌ها غیر منسجم و هر کدام در ذیل یک حدیث بودند. مصنفان سنی این دوره، جملگی از ائمه حدیث اهل سنت می‌باشند که مؤثرترین آنها بخاری و احمد بن حنبل هستند. دوره دوم، دوره شکوفایی و پختگی؛ این دوره از سده چهارم هجری آغاز می‌شود و تا پایان سده دهم ادامه می‌یابد. از مجموع این هفت قرن، سده‌های ۴، ۶ و ۷ از برجستگی بیشتری برخوردارند و سده دهم و تا حدودی نهم عصر کم رونقی تصانیف اخلاق روایی به شمار می‌رود، از بهترین آثار شیعی این دوره می‌توان به اصول کافی، الوافی فی الحدیث فیض کاشانی اشاره نمود. آثار سنی این دوره از لحاظ حجم، گستره موضوعات، دقت در عناوین و تبویب، رشد زیادی دارند. شعب الایمان از مبسوط‌ترین آثار اخلاقی اهل سنت است.

حجت الاسلام علیزاده در ادامه به تبیین اخلاق کلامی پرداخت و گفت: در مورد اخلاق کلامی نه به صورت قاطع می‌توانیم بگوییم که نداریم و نه به صورت قاطع می‌توانیم بگوییم که داریم! در اخلاق کلامی از مسلمات و مقبولات درون دینی استفاده می‌شود. متکلمان در فضای اخلاق کلامی پرونده‌های متعدد و پراکنده‌ای مثل معانی حسن و قبح، عدل الهی، قاعده لطف، ماهیت شر، قبح عقاب بلابیان را متعرض شدند.

مدیر مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت ادامه داد: اولین ورودی‌های اخلاق فلسفی در عصر نهضت ترجمه، از دو ورودی مهم یعنی تمدن ایرانی و تمدن یونانی بوده است که میراث اخلاقی فلسفی این دو تمدن در نهضت ترجمه، در دوره عباسیان، وارد جهان اسلام شد. در این دوره بسیاری از آثار اخلاقی فلسفی یونان باستان و اخلاق فارسی بوسیله مسلمین ترجمه شده و وارد فرهنگ اسلامی گردید. پس از نهضت ترجمه و انتقال آثار گسترده‌ای از فلاسفه و حکمای ایرانی، یونانی، هندی و مهم‌ترین مسئله، پی‌ریزی مبانی فکری و عقلی بود. در سده چهارم هجری فلاسفه

ای چون فارابی ظهور کردند که علاوه بر بنیان نهادن اصول عقلی و فلسفی اسلامی، مسائل و موضوعات جدید را تأسیس نمودند. در حوزه اخلاق نیز مشرب و اسلوب افلاطونی ارسطویی رونق یافت. از مؤلفان این دوره یعقوب بن اسحاق کندی، فارابی، اخوان الصفا، ثابت بن سنان نویسنده تهذیب الاخلاق، ابو سلیمان سجستانی منطقی و نویسنده السعاده و الاسعاد می باشند. ادوار رشد اخلاق عقلی شامل دوره رشد و بالندگی، دوره پختگی و پیراستگی که در این دوره اخلاق فلسفی زبان منقحی پیدا کرد و سرفصل های اخلاق تنظیم خوبی شد و دوره تکمیل و تفصیل که در این دوره کتبی مثل اخلاق ناصری توسط خواجه نصیرالدین طوسی تألیف گردید و دوره شرح و تکرار که از سده ۱۰ تا ۱۲ هجری با محوریت اخلاق ناصری خواجه، اخلاق فلسفی به وسیله شعر، ضرب المثل، حدیث، آیه و حکایت به مذاق عمومی مردم نزدیک شد، می شود. پس از این ادوار، دوره رکود و توقف اخلاق فلسفی به مدت سه قرن تا ۴۰ سال پیش را داریم. در دوره رکود، اخلاق فلسفی محض تولیداتی نداشت تا اینکه در ۴ دهه قبل امثال آقای مهدی حائری یزدی و مصباح یزدی شروع به تالیفات اخلاقی با روش فلسفی کردند.

علیزاده در توضیح اخلاق عرفانی تصریح کرد: عرفان، سلوک و شهود در اواخر قرن اول هجری در قالب تصوف توسط امثال حسن بصری، شکل می گیرد و رشد می کند که معتقدند از راه دل و شهود و به وسیله تصفیه باطن باید به حقایق عالم رسید. مبنای اینها تحلیل طولی از انسان است. عرفا معتقدند انسان ده لایه وجودی دارد و براساس همین لایه ها منازل عرفانی را دسته بندی می کنند. اخلاق عرفانی مخ عرفان عملی است.

وی در تبیین اخلاق ترکیبی یا تلفیقی و ادوار آن گفت: در این سبک اخلاقی نگاه جامع این است که مزایای هر یک از اخلاق فلسفی، نقلی و عرفانی را بگیریم. دوره اول؛ شکل گیری و تکامل رویکرد تلفیقی حداقلی (یعنی بر دو پایه عقلی نقلی یا نقلی عرفانی) است. این دوره از سده سوم هجری آغاز و تا پایان سده پنجم ادامه یافت و طی این قرون آثار متعددی مثل الذریعه الی مکارم الشریعه راغب اصفهانی نگاشته شد. دوره دوم پی ریزی و سیر صعودی رویکرد تلفیقی حداکثری (بر سه پایه عقلی نقلی عرفانی) است. این دوره از اواخر سده پنج هجری آغاز و تا سده ۱۳ ادامه یافت. اهم آثار این دوره احیای علوم الدین غزالی و الحقایق فیض کاشانی و جامع السعادات ملا مهدی نراقی است.

حجت الاسلام علیزاده در پایان متذکر شد: به نظر ما رویکرد تلفیقی از تمام رویکردهای سه گانه نقلی، فلسفی و عرفانی قابل دفاع تر می باشد. در این رویکرد اساس و مبنا هم افزایش منابع معرفتی است، ما نباید خودمان را از سرمایه های عقلانی و وحیانی و اشراقی محروم کنیم.

دومین جلسه نشست با موضوع مرزهای دین و اخلاق» توسط حجت الاسلام و المسلمین هادی صادقی ارائه شد. وی گفت: ما دستورات الهی داریم که به ظاهر خلاف عقلانیت ظاهری و عادی و رایج ما انسان ها هستند و اینجا محل تعارض دین و اخلاق است و باید پاسخ بدهیم آیا اخلاق ضد دین یا دین ضد اخلاق ممکن است یا خیر؟ ما مصادیقی داریم که ظاهرش در نگاه بدوی ضد اخلاقی است؛ مثل ذبح اسماعیل توسط ابراهیم. به نظر ما تعقل مقدم بر تعبد است و ما باید اول با عقل برسیم به اینکه متعبد نسبت به خداوند و دستورات او باشیم. اما برخی روشنفکران می خواهند بعد از اینکه با عقل به خدا رسیدند، آن تقدم عقل را ادامه دهند و دین را در چارچوب اخلاق و عقل بیاروند و حد بزنند. البته اگر منظور محکومات عقل باشد ما با آنها همراه هستیم و مشکل نداریم. چرا که هیچ گاه دین دستوری مخالف با محکومات عقل نمی دهد! اما تمام کلام و نقطه اختلاف ما با اینها در مظنونات عقلی است. این دسته معتقدند که ما دین را حتی در ظننات عقلی و اخلاقی باید در چارچوب اخلاق و عقل قرار دهیم و به وسیله ظنون شریعت را حد بزنیم و ما این را نمی پذیریم! این مشکل حد زدن شریعت به وسیله گزاره های ظنی اخلاقی و عقلی را در فرهنگ یهود و مسیح داشتیم اما در میان متفکران اسلامی چنین چیزی وجود نداشت.

صادقی برای پاسخ به سؤالاتی که در ابتدای تعارض بین اخلاق و دین به نظر می رسد چند نکته را متذکر شد و توضیح داد: اولاً باید تصور صحیح نسبت به گزاره های اخلاقی و دینی داشته باشیم، در صورتی که تصور صحیح نداشته باشیم نمی توانیم این تعارض را حل کنیم. مثلاً در جریان ذبح اسماعیل توسط ابراهیم یک تصور ظاهراً بدیهی در ذهن ما وجود دارد «هرگونه کشتن فرد بی گناهی ظلم است» این تصور اشتباه است و این پیش فرض در شکل مطلق آن صحیح نیست. هر روز خداوند هزاران نفر را زنده می کند و می میراند. تصور دوم که فکر می کنیم مطلق است این است که «انسان ها حق ندارند افراد بی گناه را بکشند» و حال اینکه این تصور نیز مطلق نیست و مقید به این است که اگر دستور خدا باشد کشتن اشکال ندارد. چون ملک خدا و حق خدا است و تصرف در ملک خدا به دستور خود خدا اشکال ندارد! پس در صورت تصحیح تصوراتمان بسیاری مسائل و تعارضات ظاهری اخلاق و دین حل می شود. در موارد زیادی اگر مبانی را دقیق ببینیم، لوازم آن مباحث را در اخلاق می بینیم.

وی افزود: بسیاری از تعارضاتی که خیال می کنیم، به این دلیل است که یا مبانی را فراموش کرده ایم یا مبانی را

درست نفهمیده ایم! بسیاری از مباحث اخلاقی باید در مبانی کلامی حل شود تا لوازم آن در اخلاق متجلی شود. مقایسه و نسبت سنجی بین مبانی کلامی و دیدن لوازم آن در مباحث اخلاقی باعث حل بسیاری از مشکلات و تعارضات اخلاق و دین می شود. یک اشتباهی که وجود دارد این است که عده ای فکر می کنند دنیا آسایشگاه تن است، در حالی که اینگونه نیست! دنیا پرورشگاه روح است و همانطور که مربی ورزش گاهی رنج به جسم می دهد تا جسم را به پرواز و به کمال برساند، خداوند نیز به ما رنج می دهد اما رنج هدفمند، تا روح را بالنده سازد. به نظر ما بین اخلاق و دین هیچ تعارضی وجود ندارد چرا که مباحث اخلاقی مبتنی بر مبانی دینی است. بسیاری از سوالات اخلاقی ریشه و گیر کلامی دارد و سوال را باید براساس زیر بناهای کلامی و اعتقادی پاسخ داد و پاسخ به آن سوال ها و توجه به لوازم آن مبانی کلامی باعث می شود که گیرهای اخلاقی ما هم حل شود ضمن اینکه روابط بین دین و اخلاق گسترده است و ابعاد متعدد دارد.

موضوع جلسه سوم نشست در نوبت عصر «فرا اخلاق به زبان ساده» بود که با محمد لگنهاوزن، عضو هیأت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) ارائه داد.

وی در مورد تاریخ آغاز بحث فرا اخلاق گفت: بحث فرا اخلاق از سال ۱۹۰۳ میلادی با فلسفه تحلیلی شروع شد و هم عهد فلسفه تحلیلی است. نظریه های فراوانی در فرا اخلاق نوشته شده است. در فرا اخلاق ما به دنبال این نیستیم که بگوییم چه کاری درست و چه کاری نادرست است. بلکه فرا اخلاق به نظریه سازی برای فهم و تعمیق اخلاق هنجاری و اخلاق کاربردی کمک می کند ولی نتیجه عملی مستقیم ندارد. ما برای عمیق تر فکرکردن در مورد اخلاق هنجاری به کمک فرا اخلاق نیاز داریم. در زبان انگلیسی واژه فلسفه اخلاق نداریم و در فارسی است که اخلاق و فلسفه اخلاق داریم. با این توصیف فرا اخلاق جز فلسفه اخلاق است اما سوالاتی در فلسفه اخلاق داریم که جز فرا اخلاق نیست. در واقع فرا اخلاق درباره امور اخلاقی بدون قضاوت عمل می کند و فقط به دنبال این است که مسائل مرتبط با اخلاق را اقل با یکی از ملاحظات پنج گانه که در ذیل می آید تحلیل کند؛ ملاحظات متافیزیک، ملاحظات معنا شناسی، ملاحظات معرفت شناسی، ملاحظات منطق و ملاحظات روانشناسی.

لگنهاوزن در ادامه خاطرنشان کرد: به دنبال پاسخ به سوال خاصی در فرا اخلاق نیست بلکه به دنبال ایجاد سوالات متعدد در ملاحظات نام برده است نه به دنبال پاسخ به سوالات در زمینه فرا اخلاق! در ملاحظات متافیزیکی به فرا اخلاق ما یک سری سوالات داریم. مثلاً اینکه آیا صحبت در امور اخلاقی یک صحبت واقعی است یا همه اش اعتباری است؟ در ملاحظات معناشناسی سوالاتی از این دست وجود دارد که آیا قضایای اخلاقی می تواند متصف به صدق کذب شود یا خیر؟ در ملاحظات معرفت شناسی سوال این است که قواعد اخلاقی بر ساخته چیست؟ و...

عضو هیأت علمی مؤسسه امام خمینی (ره) در ادامه به فرا اخلاق اشاره نمود گفت: سوالاتی که در فرا اخلاق، اگر بتوانیم بگوییم چنین چیزی هم قابل تصور است وجود دارد، این است که؛ چرا باید اخلاقی شویم؟ اخلاق برای چیست؟ ارتباط بین دین و اخلاق چیست؟ و...

آخرین سخنران روز اول نشست اخلاق برای نوآموزان حجت الاسلام و المسلمین سید حسین اسلامی استاد تمام دانشگاه ادیان و مذاهب، با موضوع «اخلاق کاربردی؛ راهنمای عمل اخلاقی» بود.

حجت الاسلام اسلامی در مورد جرقه آغاز اخلاق کاربردی گفت: اخلاق کاربردی زمانی آغاز می شود که یک مسئله اخلاقی ذهن ما را بگردد و تا مسئله اخلاقی ذهن ما را نگردد تفکر اخلاقی آغاز نمی گردد و معنایی ندارد! در واقع بحث اخلاق کاربردی برای هر فردی از سه سطح می گذرد. یک تجربه و مواجهه با مسئله اخلاقی، دو داور و حکم، سه بازنگری در حکم. اگر بیاموزیم این سه سطح را درست پیش برویم می توانیم بگوییم به یک منطق درست تحلیل اخلاقی رسیده ایم. یک بخش از وجود ما همواره در حال قضاوت است و ما لحظه ای از قضاوت فارغ نیستیم. داور و قضاوت ها انواع مختلف دارند. داور و قضاوت های زیباشناختی، داور و قضاوت های مربوط به خوش آیند و بدآیند حسی و شخصی ما، داور و قضاوت های براساس قوانین و بخش نامه ها و آئین نامه های جاری و مکتوب کشور، داور و قضاوت های براساس مسائل شرعی و فقهی، داور و قضاوت های براساس رسوم و عادات جامعه، داور و قضاوت های اخلاقی و.... بسیاری از داور و قضاوت های ما هم پوشانی دارند. یعنی ممکن است در هر شش مورد بالا یک حکم بدهیم.

وی در پاسخ به این سوال که چگونه می توان اخلاق کاربردی را تمرین کرد؟ توضیح داد: ما برای اینکه عمل اخلاقی داشته باشیم باید سلوک تفکر و استدلال اخلاقی را بیاموزیم. یعنی بیاموزیم در مواجهه با مسائل اخلاقی چه باید کرد؟ این جاست که وقتی با یک مسئله اخلاقی مواجه می شویم بعد از آنکه آن مسئله ذهن ما را گزید شروع به فکر می کنیم و به دنبال دلیل می گردیم برای اینکه آن را حل کنیم و همین دلیل گزینی و استدلال و رفت و برگشت ما را در

اخلاق کاربردی توانمند می کند. در واقع تبحر در اخلاق کاربردی با بازنگری در این سه گانه یعنی گزش، حکم و بازنگری در حکم پیدا می شود. ما هنگامی که با یک مسئله اخلاقی مواجه می شویم یک معیار برای داوری و حکم و بازنگری نیاز داریم. مثلاً وقتی یک پلیس با این مسئله اخلاقی مواجه می شود که به تکلیف قانونی خود عمل کنم و فلان شخص را دستگیر کند یا او را به دلیل یک امر وجدانی یا… رها کند؟ در واقع با یک سوال و گزش اخلاقی مواجه شده است و در پاسخ به این سوال اخلاقی هر مکتب اخلاق هنجاری یک دستور و نظریه دارد. یکی پیامدگراست یکی تکلیف گراست، یکی تعمیم پذیر و یکی حق گرا و یکی قرارداد گراست! برای اینکه بتوانیم خوب اخلاق کاربردی بورزیم نیازمند معیارهایی هستیم که آن را در اخلاق تنوریک یا نظری یا هنجاری باید بیابیم. در اینجا ما نیازمند این هستیم که تکلیف خودمان را با برخی از مسائل روشن کنیم! قرارداد گرا هستیم یا حق گرا یا…؟

استاد دانشگاه ادیان و مذاهب در تبیین دیدگاه های موجود در معیار بازنگری تصریح کرد: سه دیدگاه در معیار بازنگری در حکم در اخلاق کاربردی وجود دارد. دیدگاه بالا به پایین؛ در این دیدگاه نقطه پایان و حاکم بر تمام دستگاه اخلاقی یک قانون عام و غیر قابل خدشه است مثلاً تکلیف گرایی یا قرارداد گرایی یعنی فرد هرگاه با یک مسئله اخلاقی مواجه می شود نهایتاً برای او خط قرمز تکلیف گرایی است. دیدگاه دوم، دیدگاه مورد به مورد و بررسی موردی است در این دیدگاه یک نظریه فوقانی وجود ندارد که غیر قابل خدشه باشد بلکه با توجه به شرایط مسئله بررسی می شود. اشکال نگاه موردی این است که هر مسئله ای را که دنبال کنیم وقتی ادامه دهیم به هر حال برای حل آن باید به یک قانون عام تمسک کنیم. در دیدگاه سوم که تلفیق این دو است از قضاوت های جاف افتاده خودتان در مورد مشابه می توانید استفاده کنید و فعل اخلاقی را تشخیص دهید و عمل کنید.